

Volume 27 Number 5 September 2026
ISSN 1474-2837

Social Movement Studies

Routledge
Taylor & Francis Group



انديشكده فرهنگ و توسعه

معرفي مقاله

انسجام خودجوش کنش‌ها:

بازاندیشی در مورد مشاجره جمعی تحت نظارت شدید

نویسنده: لووی رز لوكیو ویی کانگ | مطالعات جنبش‌های اجتماعی | ۲۰۲۵



چکیده:

این مقاله مفهوم «هم‌آمیزی کنش خودجوش» (SAC) را برای تبیین مشارکت در اعتراض تحت شرایط نظارت شدید می‌پروراند. نویسندگان با تکیه بر ۲۶ مصاحبه عمیق که روایت‌های منتشرشده در رسانه‌ها و مصاحبه‌های پژوهشگران را ترکیب می‌کنند، بررسی می‌کنند که افراد چگونه بدون هماهنگی پیشین، پیوندهای سازمانی یا قصد راهبردی مشترک وارد کنش اعتراضی می‌شوند. استدلال آنان این است که SAC منطق کنشی متمایزی را باز می‌نماید که در آن رفتارهای مستقل و اتمی‌شده از راه دیده‌شدن، تقلید و هم‌نوایی هیجانی، و نه از راه شبکه‌ها یا رهبری، به هم می‌رسند. با ردیابی SAC به مثابه فرایندی که از محرک‌های اخلاقی و هیجانی به همگرایی موقعیتی، اتمی‌شدگی ریسک‌کاهنده و مسیرهای پس از اعتراض می‌رسد، نشان می‌دهند کنش‌های ناهمگون و بداهه چگونه آثار جمعی پدید آوردند. این پژوهش با تمایز نهادن میان SAC و کنش جمعی متعارف و جنبش‌های غیرمتمرکز، نظریه‌پردازی درباره اعتراض در بسترهای اقتدارگرا و پرنظارت را پیش می‌برد.

کلمات کلیدی: ادغام خودبه‌خودی عمل (SAC)، نزاع دسته جمعی، نظارت دیجیتال، تمیزه کردن، اقتدارگرایی



خلاصه مبسوط مقاله:

در سال ۲۰۲۲ اعتراضات موسوم به کاغذ سفید در چندین شهر چین گسترش یافت. پیش از آن، یک معترض تنها بر پل سیتونگ پکن بنرهایی با مضمون «غذا می‌خواهیم، نه آزمایش پی‌سی‌آر» و «رأی می‌خواهیم، نه رهبر» آویخته بود و دانشجویی در دانشگاه ارتباطات نانجینگ ورقی سفید را بالا گرفته بود. این اعتراضات با مخالفت با سیاست صفر کووید آغاز شد، اما به مطالبه آزادی‌های مدنی رسید. از این رو با اعتراض‌های محلی پیشین چین، که معمولاً به مناقشه‌های کارگری یا زیان‌های زیست‌محیطی محدود بودند، تفاوت داشت. نکته مهم‌تر آن است که این گسترش بدون سازمان رسمی و بدون رهبری هماهنگ‌کننده رخ داد، در حالی که نظارت دیجیتال فراگیر و سرکوب پیش‌دستانه دولت هر نوع هماهنگی آشکار را دشوار کرده بود. لوکیو و کانگ از همین‌جا پرسش خود را صورت‌بندی می‌کنند: بسیج گسترده در چنین شرایطی چگونه ممکن شد؟ پاسخ آنان مفهوم هم‌آمیزی کنش خودجوش (SAC) است، یعنی فرایندی که در آن کنش‌های مستقل و اتمی‌شده از راه دیده‌شدن، تقلید و هم‌نوایی هیجانی به حضوری جمعی و قابل تشخیص تبدیل می‌شوند. اعتبار این پاسخ را باید با نظریه‌های موجود کنش جمعی سنجید.

نظریه‌های رایج کنش جمعی دو پیش‌فرض دارند که در این بستر برقرار نیست. در سنت کلاسیک، افراد با تکیه بر هدف‌ها و همبستگی‌های مشترک و اغلب از راه سازمان‌های رسمی بر انزوا غلبه می‌کنند. جنبش‌های اجتماعی نوین این الگو را به صورت‌های سیال و غیرسلسله‌مراتبی تغییر دادند و ارتباطات دیجیتال آن را به ساختارهایی گسترش داد که ویکتور وویچ «غیرمتمرکز، چندسر و شبکه‌وار» می‌نامد. هر دو الگو شبکه‌های جامعه مدنی و آزادی نسبی بیان را لازم دارند. اما در نظام‌های اقتدارگرا سرکوب و نظارت مشارکت و پیوند اجتماعی را چنان محدود می‌کنند که اتمی‌شدگی به واقعیتی ساختاری بدل می‌شود و دیگر انتخابی تاکتیکی نیست. به تعبیر هاستد و همکاران، اتمی‌شدگی یعنی شباهت ارتباطی بدون ظرفیت جمعی. در چین نیز مقاومت از بسیج شبکه‌های موجود در جنبش ۱۹۸۹ به صورت‌های پراکنده‌تر، مانند فعالیت سلولی و «بسیج بدون توده»، تحول یافته است. سرکوب دیجیتال هم هماهنگی علنی را پیش از شکل‌گیری مهار کرده است، چنان‌که در شکست «انقلاب یاس» ۲۰۱۱ دیده شد. شکاف نظری مقاله از همین‌جا پدید می‌آید: الگویی لازم است که کنش جمعی را در شرایطی توضیح دهد که خود هماهنگی پرخطر شده است.

مفهوم هم‌آمیزی کنش خودجوش برای پر کردن همین شکاف ساخته شده و در سه مرحله پیش می‌رود. در مرحله نخست، افراد به‌تنهایی و بدون ارتباط با یکدیگر عمل می‌کنند و تقلید فقط شباهت می‌آفریند، نه جمعیت. در مرحله دوم، این کنش‌های تقلیدی در زمان و مکانی نمادین همپوشانی می‌یابند و دیده‌شدن متقابل حسی گذرا از حضور مشترک می‌سازد که به شور جمعی شباهت دارد. در مرحله سوم، ظاهر جمعی بدون تبدیل‌شدن به جنبش از میان می‌رود. نویسندگان دو سازوکار را در پس این فرایند می‌بینند. در سطح کلان، فناوری‌های دیجیتال هم کانال دیده‌شدن‌اند و هم ابزار نظارت، پس هماهنگی را خطرناک و سرکوب‌پذیر می‌کنند. در سطح خرد، افراد راهبردهای بداهه و ریسک‌گریز برمی‌گزینند و هیجان‌هایی چون خشم اخلاقی، تحقیر و سوگ جای دستورهای سازمانی را می‌گیرند. تصاویر و پخش‌های زنده «نقاط قانونی» به معنای شلینگ می‌سازند. این نقاط برخلاف «تقویم مخالفان» پیش‌بینی‌پذیر نیستند و هدف‌گیری آن‌ها برای دولت دشوار است. جنبش‌های غیرمتمرکز گره‌های متعدد دارند، اما در SAC هیچ گره‌ای وجود ندارد. این تمایز نظری را باید با داده‌های تجربی آزمود.





داده‌های این آزمون را طرح پژوهشی کیفی مبتنی بر تحلیل روایت فراهم کرده است. نویسندگان این روش را برگزیده‌اند، زیرا گزارش‌ها را داستان‌هایی ساخت‌یافته می‌بیند و گذار شرکت‌کنندگان از ترس به کنش را قابل بررسی می‌کند. این روش توالی زمانی را هم حفظ می‌کند و بدین‌سان ردیابی فرایند و رد برنامه‌ریزی پیشین را ممکن می‌سازد. در بسترهای پرخطر که پیمایش گسترده شدنی نیست نیز اعتبار را از عمق تحلیلی می‌گیرد. مجموعه داده ۲۶ مصاحبه است. نوزده مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته را پنج رسانه (بومینگ‌بای ۶، ان‌جی‌اوسی‌ان ۳، اینیشیوم ۸، رادیو آزاد آسیا ۱ و رادیو فرانسه بین‌المللی ۱) میان ۲۹ نوامبر ۲۰۲۲ و ۱۴ ژوئن ۲۰۲۳ منتشر کرده‌اند. هفت مصاحبه دیگر را نویسندگان در اکتبر ۲۰۲۳ از راه زوم با شرکت‌کنندگانی انجام داده‌اند که چین را ترک کرده بودند و از شانگهای، پکن، چنگدو، گوانگژو و ووهان آمده بودند. نمونه‌گیری این گروه گلوله‌برفی بود. تحلیل سه گام داشت: ترتیب زمانی روایت‌ها، شناسایی نقاط عطف گذار از مشاهده به کنش، و مقایسه موردها میان شهرها. نویسندگان سوگیری خودانتخابی، یادآوری گذشته‌نگر و غیبت غیرشرکت‌کنندگان را می‌پذیرند و یافته‌ها را فرایندمحور می‌دانند، نه نماینده آماری. حال باید دید این روایت‌ها فرایند را از کجا آغاز می‌کنند.

روایت‌ها فرایند را از محرک‌های هیجانی و الهام نمادین آغاز می‌کنند. ارتباطات دیجیتال در این اعتراضات تنها کانال اطلاع‌رسانی نبود و به زیرساختی عاطفی بدل شد که شوک‌های اخلاقی را میان کاربران می‌گرداند. بازتاب گسترده سختی‌های سیاست صفر کووید، حتی میان «اکثریت خاموش»، آستانه روانی مشارکت را پایین آورد و حذف سریع محتوا با «اثر استرایسند» توجه و خشم را افزایش داد. سانحه اتوبوس گوئیژو و آتش‌سوزی اورومچی شوک‌های انباشته بودند و اورومچی نقطه عطف شد. تقلید نیز بازتولید کورکورانه نبود، بلکه سازگاری موقعیتی بود، مثلاً شمع به جای بنر و سکوت به جای شعار. دیده‌شدن همین کنش‌ها تصمیم افراد را شکل داد. تصاویر زنده سوگواری در خیابان اورومچی شانگهای و ویدیوهای تجمع در ووهان، چنگدو و گوانگژو به نقاط کانونی تبدیل شدند و شرکت‌کنندگان خود را ناگزیر از حضور دیدند. در شانگهای یکی از مصاحبه‌شوندگان با ایردراپ متن شعارهای سیتونگ را میان حاضران پخش کرد و شعار یک‌دست شد. مطالبه‌های حداقلی مانند پایان قرنطینه آستانه مشترک فراهم کردند و شعارهای حداکثری شدت نمادین افزودند. این حضور جمعی اما بر راهبردهای حفاظتی فردی استوار بود.

راهبرد حفاظتی اصلی در روایت‌ها انزوای عمدی بود. مصاحبه‌شوندگان کنش‌های سوگواری مانند شمع و گل را درون مرزهای تحمل‌شده از سوی دولت می‌دیدند و با اعتدال، کم‌دیده‌ماندن، ماندن در حاشیه و پرهیز از رهبری خطر را کاهش می‌دادند. بیشتر آنان از گفت‌وگو پیش از تجمع پرهیز کردند و به‌تنهایی یا با یک همراه مورد اعتماد رفتند. گائو که با رفتن به‌تنهایی و پرهیز از گفت‌وگوی برخط ردی برای بازجویان باقی نگذاشت، باور داشت پلیس او را معترض ندانست. تفاوت شهرها این منطق را تأیید می‌کند. در شانگهای دیده‌شدن کنش‌های کوچک مشارکت را تشویق کرد، اما در چنگدو و گوانگژو پوستره‌های بسیج حذف و محل‌ها پیش‌دستانه کنترل شد. هزینه انزوا پس از اعتراض آشکار شد. بازداشت‌شدگان آسیب روانی را تنها تحمل کردند و یکی از آنان اطلاعات خود را به آشنایی ناشناس در خارج سپرد تا در صورت ناپدیدشدن او را منتشر کند. بسیاری نیز هرگز درباره تجربه خود حرف نزدند. با این حال هیچ مصاحبه‌شونده‌ای پشیمان نبود و همه تصاویر را منتشر کردند تا ثبت شود. بدین ترتیب هم‌آمیزی حضوری گذرا ساخت، اما همبستگی پایدار نیاورد.

این ناپایداری محور نتیجه‌گیری مقاله است: سازوکارهایی که دیده‌شدن جمعی را ممکن می‌کنند، توان ماندگاری آن را نیز فرسوده می‌کنند. تقلید دیجیتالی و انزوای راهبردی، که معمولاً مانع بسیج شمرده می‌شوند، در چین شرایط توانمندساز مشارکت شدند، اما

همبستگی پایدار را با کنار آمدن فردی و یادآوری رسانه‌ای جایگزین کردند. SAC از جنبش‌های غیرمتمرکز جداست، زیرا هماهنگی در آن عمداً غایب است و پیوند اجتماعی منبع خطر به شمار می‌آید. نویسندگان چهار شرط دامنه را می‌پذیرند: SAC مدلی عام نیست، تحلیل بر مصاحبه‌های گذشته‌نگر تکیه دارد، پیامدهای نهادی بلندمدت سنجیده نشده و الگو جبرگرایی فناورانه نیست. شواهد پس از کاغذ سفید، از سوگواری برای لی کهچیانگ در ۲۰۲۳ تا تجمع‌های هالووین شانگهای در ۲۰۲۳ تا ۲۰۲۵، سازگاری آن را با اتمی‌شدگی بیشتر نشان می‌دهد. مقایسه با اعتراض‌های ضدجنگ در روسیه و مرحله آغازین جنبش «زن، زندگی، آزادی» نیز نشان می‌دهد SAC و بسیج غیرمتمرکز سازوکارهایی متمایز و گاه متوالی‌اند. بر این پایه، «تنه‌ایان شجاع» آن اعتراضات استثنا نبودند و الگویی برای تداوم اعتراض در عصر نظارت دیجیتال عرضه می‌کنند.

نکات کلیدی:

- **مطالعه موردی:** اعتراضات کاغذ سفید در چین (۲۰۲۲)، بر پایه ۲۶ مصاحبه عمیق شامل ۱۹ مصاحبه منتشرشده در پنج رسانه و ۷ مصاحبه پژوهشگران با شرکت‌کنندگانی از شانگهای، پکن، چنگدو، گوانگژو و ووهان
- **مفهوم مرکزی:** هم‌آمیزی کنش خودجوش (SAC) به‌مثابه فرایندی که در آن کنش‌های مستقل و اتمی‌شده بدون هماهنگی، شبکه یا رهبری، از راه دیده‌شدن، تقلید و هم‌نوایی هیجانی به حضوری جمعی و گذرا تبدیل می‌شوند
- **چارچوب تحلیلی:** تلفیق نظریه‌های کنش جمعی، جنبش‌های غیرمتمرکز و کنش پیوندی با مفهوم «نقاط کانونی» شلینگ، نقش هیجان‌ها در اعتراض و «سرکوب پیوندی»، با روش تحلیل روایت و ردیابی فرایند
- **یافته کلیدی:** دیده‌شدن دیجیتال شوک‌های اخلاقی و الگوهای نمادین را منتشر کرد و نقاط کانونی ساخت، اما مشارکت‌کنندگان برای کاهش خطر به‌طور عمدی منزوی ماندند؛ نتیجه حضوری گذرا بود که همبستگی پایدار پدید نیامد.
- **استدلال اصلی:** اتمی‌شدگی در بسترهای پرنظارت می‌تواند به منبعی موقعیتی برای اعتراض تبدیل شود و نه صرفاً مانعی برای آن؛ همان سازوکارهایی که دیده‌شدن جمعی را ممکن می‌کنند، توان ماندگاری آن را نیز کاهش می‌دهند.



اندیشکده فرهنگ و توسعه

باشگاه مقالات فرتو